

تصاویر و استعارات

در آیات آغازین سور مکی

آنجلیکا نیورث

ابوالفضل حری

تسمت سوم

زرف‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نوع سوگندخوشه‌ها، که همچنان جای بحث دارند، به پدیده‌های خاص کیهانی و غالباً به پدیده‌های روز و شب نظر دارند. این نوع سوگندها نیز مانند سوگندهایی که پیش از این بدان‌ها اشاره شد، انسجام و پیوستگی متمایزی با آیات بقیه سوره ندارند. وانگهی، تفاوت عمده این‌گونه سوگندخوشه‌ها با سوگندهای پیشین این است که نه به پدیده‌های طبیعی غیر واقعی - که نمونه‌های کلی از حوادث اخروی‌اند - اشاره می‌کنند و نه به سرزمین‌هایی خاص - که نشانه‌های نمادین تجلی اراده خداوند به شمار می‌روند - بلکه به موارد مجرد - مثل زمان - یا به نشانه‌های مرئی زمان - مثل پدیده‌های کیهانی - اشاره دارند. این نوع سوگندها در میان مجموعه سوگندهایی جای گرفته‌اند که به موضوعات تجریدی می‌پردازند. با این وصف، دلیل تأکید بر این نوع سوگندها و کارکرد آنها در چیست؟ آنچه در ادامه می‌آید، شرح و توضیحی است درباره این دسته از سوگندها و برخی سوره‌های اولیه مکی.

در وهله نخست، اجازه بدهید خصوصیات سوره‌های مزین به این نوع سوگندها را یادآوری کنیم. چشمگیرترین خصیصه، مضمون کلی آیاتی است که از پس سوگندخوشه‌ها ذکر می‌شوند. در بیشتر موارد، عبارتی که پس از سوگندخوشه می‌آید، مهر تأکید و تصدیقی است بر اصالت و صداقت رسالت حضرت محمد (ص) و این که مخاطب احتمالاً شخص حضرت محمد (ص) بوده است:

ضحی - ۳: ما وَدَّعَكَ رَبِّكَ وَ مَا قَلَىٰ (که پروردگارت تو را نگذاشته و دشمن نداشته است).

ضحی - ۵: و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبِّكَ فَتَرْضَىٰ (و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند گردی).

تکویر - ۱۹: اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (که قرآن سخن فرشته بزرگواری است).

واقعه - ۷۷: آنه لقرآن کریم (که این کتاب قطعاً قرآنی است ارجمند).

و شاید

فجر - ۵: هل فی ذلک قسم لذی حجر (آیا در این، برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است؟).

در دیگر موارد، در آخر سوره به رابطه نزدیک میان پیامبر الهی و فرد مؤمن اشاره می شود. طرف خطاب این سوره ها نه شخص حضرت محمد (ص)، که فرد مؤمن متقی است. در این حالت، فرد متقی به مرتبه ای از مراتب آگاهی و رضا نایل می آید: یرفعی، مرضیه، مرضیه و اطمینان (مطمئن).

ضحی - ۱۱: و اما بنعمه ربک فحدّث (و از نعمت پروردگار خویش با [مردم] سخن گوی).

واقعه - ۹۶: فسبح باسم ربک العظیم (پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی).

بروج - ۲۱-۲۲: بل هو قرآن مجید (آری، آن قرآنی ارجمند است * که در لوحی محفوظ است).

تکویر - ۲۷-۲۸: ان هو الا ذکر للعالمین * لمن شاء منکم ان یستقیم (این [سخن] به جز پندی برای عالمیان نیست * برای هر یک از شما که بخواهد به راه راست رود).

لیل - ۱۹-۲۱: وما لاحد عنده من نعمه تجزی * الا ابتغاء وجه ربّه الاعلی * و لسوف یرضی. (و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن، نعمت نمی بخشند * جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است (منظوری ندارد) و قطعاً به زودی خوشنود خواهد شد).

فجر - ۲۷-۲۹: یا ایتهّا النفس المطمئنه * ارجعی الی ربک راضیه مرضیه * فادخلی فی عبادی * و ادخلی جنتی (ای نفس مطمئنه * خوشنود و خدایپسند به سوی پروردگارت بازگرد * و در میان بندگان من درآی * و در بهشت من داخل شو).

اکنون پرسش این است که چگونه می توان رابطه فردی و خصوصی میان کلام الهی و مخاطب انسانی او را، که در قالب واژه های مربوط به روابط الهی - انسانی (ابتغاء وجه الرب، نعمات الرب، ذکر للعالمین) و حتی حالت های روحی انسان (راضی، مرضی، مطمئن، مستقیم) تبیین شده است، توجیه کرد؟ این قرابت خاص میان سوگندهای مقدماتی معطوف به مراحل معین زمانی - روز و غالباً شب - با مفهوم مراوده نزدیک خدا - انسان در چیست؟ اجازه بدهید به منظور دقیق شدن در این مسئله چارچوب زمانی نزول سوره ها را یادآوری کنیم. بسیاری از آیات به روشنی بر این نکته تأکید می کنند که تکوین سوره ها حاصل راز و نیاز و عبادات شبانه اند - تکالیفی الهی که برای نزدیکی بیشتر به خداوند صورت می گیرد. فقط آنگاه که به رابطه درونی میان مختصات زمانی و قرائت متون مناجاتی / عبادی پی می بریم، لحن سرودگونه این نوع از سوره ها تمام و کمال فهم پذیر می شوند. در این سوره ها با زبان اعمال عبادی سروکار داریم.

به لطف شواهد قرآن، جزئیاتی چند، مثل زمان تقریبی و اوقات خاص انجام اعمال عبادی، بر ما معلوم شده است. بنابراین در آیات ۷-۱ سوره ۷۳ (مزمّل) به راز و نیازی اشاره می شود که بیش از یک نیمه شب ادامه می یابد.

ای جامه به خود فرو پیچیده (۱)

به پا خیز شب را مگر اندکی (۲)

نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه (۳)

یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان (۴)
 در حقیقت ما به زودی بر تو گرفتاری گران بار القامی کنیم (۵)
 قطعاً برخاستن در شب، رنجش بیشتر و گفتار (در آن هنگام) راستین تر است (۶)
 و تو را، در روز، آمد و شدی دراز است (۷)
 به همین ترتیب نشانه‌های آشکاری وجود دارد که نشان می‌دهد سوره‌ها در طول شب و در طی انجام اعمال عبادی نازل شده است:

در آیه ۴۸ سوره ۵۲ (طور)، به زمان مناجات شبانه دقیق‌تر اشاره شده است: ... و سبح بحمد ربک حین تقوم * و من اللیل فسیخه و ادبار النجوم (... و هنگامی که از خواب برمی‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی و نیز پاره‌ای از شب، و در فروشدن ستارگان تسبیح گوی او باش).
 در آیه ۷۸ سوره ۱۷ (اسراء) به دو زمان یعنی غروب و طلوع خورشید، در حکم بهترین اوقات مناجات، اشاره شده است: نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار، و نیز نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره (مقرون با) حضور (فرشتگان) است.

در آیات ۳۹-۴۰ سوره ق بر ثواب مناجات شبانه تأکید شده است: ... و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی * و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود (به صورت تعقیب و نافله) او را تسبیح گوی.

از شواهد قرآنی برمی‌آید که دو زمان - عبادت در غروب خورشید و مناجات در دل شب (نصف شب) - اوقات بسیار مهم راز و نیاز و مناجات محسوب می‌شوند. در سوره عصر به عبادت در زوال روز اشاره شده است. با توجه به احادیث وارده، زمان سومی نیز برای عبادت لحاظ شده است که در فجر اتفاق می‌افتد و تا طلوع خورشید ادامه دارد و اصطلاحاً آن را «دعا» می‌نامند.
 در نمونه‌های بسیاری به این اوقات عبادت و مناجات اشاره شده است:

۱۰۳.۱: والعصر

۸۹.۱: والفجر

۸۹.۴: والیل اذا یسر

۹۲.۱: والیل اذا یغشی

۹۳.۱: والضحی

۹۳.۲: والیل اذا سجی

۹۱.۱: والشمس وضحها

۹۱.۴: والیل اذا یغشها

۸۱.۱۷: والیل اذا عسعس

۷۴.۳۳: والیل اذا ادبر

- به نام خداوند رحمت‌گر مهربان (۵)
 سوگند به روشنایی روز (۱)
 سوگند به شب چون آرام گیرد (۲)
 (که) پروردگارت تو را وانگذاشته، و دشمن نداشته است (۳)
 و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود (۴)
 و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند گردی (۵)
 مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد؟ (۶)
 و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد؟ (۷)
 و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید؟ (۸)
 و اما (تو نیز به پاس نعمت ما) یتیم را میازار (۹)
 و گدا را مران (۱۰)

و از نعمت پروردگار خویش (با مردم) سخن گوی (۱۱)
 سوگندخوشه کوتاه آغازین سوره به روز - ضحی - اشاره دارد. همان گونه که آری ربین اخیراً در بررسی آداب عبادی مکّیان جاهلیت نشان داده است، ضحی از جمله اوقات صبح زود است که مراسم شکرگزاری مطابق رسم انجام می‌گرفت. ممکن است این پرسش پیش آید که چرا شب پس از صبح، دومین وقت انجام مراسم عبادی معرفی می‌شود؟ اگر صبح در نقش عبادی و مناجاتی خود ظاهر شود، پس لیل نیز یادآور همان اعمال عبادی است که در صبح انجام می‌گیرد. لحن فاخر عبارتی که از پس سوگندها می‌آید (آیه سوم) تأکیدی است بر انجام مراسم عبادی در طول شب: «ما ودعک ربک و ماقلی»؛ و در این میان به چیزی دیگر نیز وعده داده می‌شود: «و للآخرة خیرة لک من الاولى» که این وعده خود نوعی رضا و خشنودی را در پی دارد (فترضی). نقش روز در مقابل شب به منزله ماتریس ساختاری کاملاً مشهود است. همان‌گونه که از پس شب روز می‌آید، از پس رنج و ناراحتی نیز نعمت و فراوانی خواهد آمد. آیه پایانی، انتقال هدایت الهی به سمت دیگر انسان‌ها به واسطه بازگویی است: «و اما بنعمة ربک فحدث». این آیه به عبادت روحی معنوی در شب و صبح زود - شاید نماز ضحی - اشاره مجدد می‌کند - همان مضمونی که سوگندهای سوره بدان اشاره کردند.

تفسیر سوره ضحی: آیت‌الله طالقانی

«در این سوره پس از دو سوگند، سه وعده درباره حال و آینده، سه تذکر راجع به گذشته، و سه فرمان درباره عمل آمده است. از آیه یک تا پنج طول آیات، چون طول شعاع نور و «الضحی» و پرتو وحی و سایه رحمت شب به تدریج گسترش یافته است: از یک کلمه کوتاه «الضحی» تا دو و سه و چهار کلمه بلند، و با حرکات و ایقاعات آرام، فواصل الف مقصوره - که بعد از فتحه و فتحه‌ها آمده - محیط سراسر و لطف پیوسته را می‌نمایاند. از نخستین تابش نور و برآمدن روز و وزش نسیم و آرامش، و آینده امیدانگیز و رضایت بخش.

آیات ۶ تا ۸ با همین فواصل و تصویر استفهام دارای لحن تذکاری و برانگیزنده است - سه آیه آخر با تغییر اوزان فواصل دارای لحن متفوق و تنبیه و آمرانه است. لغات و اوزان خاص فعلی و اسمی این سوره: الضحی، سجدی، ودعک، قلی، عائلاً، فلا تقهر، حدث.

(ج ۴، ص ۱۴۹)

سوره لیل: آیات ۱-۲۱

- سوگند به شب چون پرده افکند (۱)
- سوگند به روز چون جلوه گری آغاز کرد (۲)
- و سوگند به آن که نر و ماده را آفرید (۳)
- که همانا تلاش شما پراکنده است (۴)
- اما آن که (حق خدا را) داد و پروا داشت (۵)
- و (پاداش) نیکوتر را تصدیق کرد (۶)
- به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت (۷)
- و اما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید (۸)
- و (پاداش) نیکوتر را به دروغ گرفت (۹)
- به زودی راه دشواری به او خواهیم نمود (۱۰)
- و چون هلاک شد، (دیگر) مال او به کارش نمی آید (۱۱)
- همانا هدایت بر ماست (۱۲)
- و در حقیقت، دنیا و آخرت از آن ماست (۱۳)
- پس شما را به آتشی که زیانه می کشد هشدار دادم (۱۴)
- جز نگون بخت ترین مردم در آن در نیاید (۱۵)
- همان که تکذیب کرد و رخ بر تافت (۱۶)
- و پاک رفتارترین مردم از آن دور داشته خواهد شد (۱۷)
- همان که مال خود را می دهد (برای آن که) پاک شود (۱۸)
- و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد (۱۹)
- جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است (منظوری ندارد) (۲۰)
- و قطعاً به زودی خشنود خواهد شد (۲۱)

سوگندخوشه آغازین سوره لیل نیز با اشاره به زمان شب زنده داری آغاز می شود. از پی شب، روز پدیدار می شود و سپس مجموعه ای از پدیده های این جهانی تر مورد اشاره قرار می گیرند. ابتدا به جفت نر و ماده، و سپس به تلاش مکیان اشاره می شود که با لحن «سعیکم» مورد خطاب قرار می گیرند. تقابل بنیادین سوگندخوشه میان روز/شب و نر/ماده ماتریس ساختاری دیگر تقابل ها را تشکیل می دهد: تلاش های پراکنده آدمیان و نتایج پراکنده ای که از این تلاش ها به دست می آورند. فقط در

آیات پایانی سوره است که این تقابل از میان می‌رود. انسان متقی که «جز خواستن رضای پروردگارش» منظوری ندارد به تنهایی بر امیال دنیوی پیروز می‌شود؛ انسان پرهیزگاری که با انکار جهان تقابل‌ها به جست‌وجوی وحدانیت اقدام می‌کند، قطعاً به زودی خشنود خواهد شد. آیا جست‌وجوی بکتایی خداوند به همان مفهوم آغازین سوره برنمی‌گردد: شب‌زنده‌داری و عبادت صبحگاهی بدان‌گونه که در سوگندخوشه آغازین سوره آمده است.

تفسیر سوره لیل - آیت الله طالقانی

آیات این سوره دارای طول یکسان و کوتاه است، و گاه به تناسب معانی و تفصیل و اجمال به اندازه یک کلمه بیش و کم شده است. اوزان آیات «مستفعل - فعل»، و فواصل آنها «فعلی» است. با چنین لحن و آهنگ مشدد و مخفف، معانی و مفاهیم آیات و مظاهر متقابل آنها تصویر و نمایانده شده است. مجموع آیات این سوره نموداری از اوضاع و مناظر دوگانه متقابل، متقارب و منشعب جهان و حیات است: واللیل - والنهار، یغشی - تجلی، الذکر - الانثی، اعطی - بخل، اتقی - استغنی، صدق - کذب، للیسری - للعسری، الاخرة - الاولى، الاشقی - الاتقی، تلظی - یتزکی، وجه ربه الاعلی - و لسوف یرضی. کلمات و اوزان فعلی و اسمی که به خصوص در این سوره آمده: عسری، تردی، تلظی، سیجنبها، الاشقی. ابی از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند: کسی که این سوره را بخواند خداوند خشنودش گرداند و از سختی‌اش برهاند، و آسانی را برایش فراهم سازد.

سوره شمس: آیات ۱-۱۵

سوگند به خورشید و تابندگی‌اش (۱)

سوگند به مه چون پی (خورشید) رود (۲)

سوگند به روز چون زمین را روشن گرداند (۳)

سوگند به شب چون پرده بر آن پوشد (۴)

سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت (۵)

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد (۶)

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد (۷)

سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد (۸)

که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد (۹)

و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً دریاخت (۱۰)

(قوم) نمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند (۱۱)

آنگاه که شقی‌ترین‌شان برپا خاست (۱۲)

پس فرستاده خدا به آنان گفت: زنها! ماده شتر خدا و نوبت آب خوردنش را حرمت نهید (۱۳)

ولی دروغ‌زنش خواندند و آن ماده شتر را پی کردند و پروردگارشان به سزای گناه‌شان بر سرشان عذاب آورد

و آنان را با خاک یکسان کرد (۱۴)

و از پیامد کار خویش، بیمی به خود راه نداد (۱۵)

در این سوگند خوشه نیز تقابل میان پدیده‌ها به تمامی دنبال شده است. در نگاه نخست به نظر می‌آید که جست‌وجوی انسان برای یکتایی خداوند که کلمه ضحی ناظر بدان است، تماماً در پرتو مجموعه‌ای از تقابل‌های موجود در آفرینش از دیدگان پنهان مانده است. بعد از اشاره به تقابل پدیده‌های کیهانی، آسمانی و زمینی تقابل میان خواسته‌های روحی بشر مطرح می‌شود. در اینجا تقابل میان پلیدکاری و پرهیزگاری به میان می‌آید. آن کس که نفس را پاک کند قطعاً رستگار است و آن کس که آلوده‌اش سازد، قطعاً بازنده خواهد بود. داستان ثمود تجسم انتخاب غلط و آلوده ساختن نفس به پلیدکاری است.

تفسیر سوره شمس - تفسیر جوان ص ۴۴-۴۳، ج ۲۷

چه رابطه‌ای میان این سوگندهای یازده‌گانه و بسیار مهم با حقیقتی که به خاطر آن سوگند یاد شده، وجود دارد؟

به نظر می‌رسد که هدف بیان این حقیقت از سوی خداوند بزرگ که «من تمام وسایل عادی و معنوی را برای سعادت و خوشبختی شما انسان‌ها فراهم ساخته‌ام»، از یک سو با نور آفتاب و ماه صحنه زندگی شما را روشن و پربار نموده و نظام روز و شب و حرکت و سکون شما را تنظیم کرده و زمین را برای زندگی شما از هر جهت آماده ساخته است. و از سوی دیگر، روح شما را با تمام استعدادهای لازم آفریده‌ام، وجدان بیدار به شما داده و حسن و قبح امور را به شما الهام کرده‌ام. بنابراین هیچ کمبودی برای پیمودن راه سعادت ندارید، با این حال چگونه نفس خویش را تزکیه نمی‌کنید و تسلیم دسیسه‌های شیطان می‌شوید؟

تفسیر سوره شمس - آیت‌الله طالقانی

بیشتر آیات این سوره دارای طول‌های متساوی است و برخی آیات به تناسب تفریع و تفصیل و حکایت، طول بیشتری دارد: فإلهمها... فقال لهم رسول الله فكذبوه فعقروها... آیه ۱۴ (فكذبوه...) با طول بیشتر و تفریع‌ها و فعل‌های متنوع و پی‌درپی حرکات متشابه، سرعت و جریان حوادث را به صورت‌های گوناگون و به هم پیوسته می‌نمایاند. تا آخر سوره کلمات بر وزن «فعلا» و با کلمه «ها» آمده است. هر یک از آیات قسم و جواب‌های آن، دارای دو ایقاع متقارب است؛ ولی ایقاع و برخورد اول اکثر آیات شدیدتر است: «والشمس و الضحی‌ها... و النهار اذا جلاها...». این گونه ایقاعات و برخورد حروف و حرکات و سکون‌ها، و طنین «فعلاها» جوئی متموج و متحرک و منظور پدید می‌آورد، که نمایاننده معانی آیات است. آهنگ خاص فعل «فدمدم» و طنین حرکات آن، که به حرکت زیر و سکون «علیهم» منتهی می‌شود، حرکت رعدآسای عذاب و طوفان و فراگرفتن و فرود آمدن آن را مجسم می‌سازد. پس از آن جنب‌وجوش و صدای گناه‌کاران و سرکشان خاموش می‌شود، و زندگی‌شان به پایان می‌رسد: «فسواها» و جریان تاریخ با اعلام کوتاه «ولا یخاف عقباه» پیش می‌رود. لغات و اوزان افعال و اسماء مخصوص این سوره عبارت‌اند از: جلی، طحا، الهم، فجور، زکی، دسی، طغوی، انبعث، سقیاء، دمدم. ابی از رسول خدا (ص) و معاویه بن عمار از امام صادق (ع) فضائل و آثار بسیاری برای این

سوره نقل کرده‌اند.

تفسیر سوره شمس: علامه طباطبایی

خلاصه مضمون این سوره این است که به انسان - که با الهام خدایی تقوا را از فجور و کار نیک را از کار زشت تمیز می‌دهد - اگر بخواهد رستگار شود باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با روشی صالح پروراند و رشد دهد، با تقوا بیاراید، و از زشتی‌ها پاک کند و گرنه از سعادت و رستگاری محروم می‌ماند. هر قدر بیشتر آلوده‌اش کند و کمتر بیاراید محرومیت‌اش بیشتر می‌شود و آنگاه به‌عنوان شاهد، داستان ثمود را ذکر می‌کند...

سوره فجر: آیات ۱-۱۰

سوگند به سپیده‌دم (۱)

و به شب‌های دهگانه (۲)

و به جفت و تاق (۳)

و به شب وقتی سپری شود (۴)

آیا در این، برای خردمند (نیاز به) سوگندی (دیگر) است؟ (۵)

مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد؟ (۶)

با عمارات ستون‌دار ارم (۷)

که ماندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (۸)

و با ثمود، همانان که در دره، تخته سنگ‌ها را می‌بریدند؟ (۹)

و با فرعون، صاحب سراپرده‌ها (و بناهای بلند)؟ (۱۰)

در این سوگندخوشه، اولین مقطع زمانی مورد اشاره (یعنی «فجر») دیگر در بافت تقابل قرار نمی‌گیرد. این که این سوگندخوشه را می‌بایست تلمیحی به مقطع خاص زمانی - دوره گذار میان روز و شب - در شمار آورد، از عبارت لیال عشر کاملاً پیداست. لیال عشر نوعی فجر بسط یافته است؛ فجری که به ابعاد تقویمی و جهانی گسترش یافته است. اولین ده شب ماه حج - ذی‌الحجه - در راستای فجری که زمانی محدود برای انجام اعمال آیینی است، دوره‌ای است که در خلال آن مراسم عبادی بسیار درخور ستایش است.

بعد از سوگندهای ناظر به فجر یعنی روز و فجر تقویمی و لیال عشر، سومین سوگند به جفت مخالف یعنی شفع و وتر - به کوچک‌ترین واحدهای قابل شمارش - اشاره می‌کند: رابطه میان دو جفت مقابل به خودی خود مشخص است. سوگند ناظر به زمان شب که تلمیحی به زمان شب‌زنده‌داری است، سوگندخوشه‌ها را تکمیل می‌کند. پس از سوگندها، پرسشی ریطوریقایی به‌عنوان شاهد سوگندها مطرح می‌شود و بعد به داستان‌هایی اشاره می‌شود که هر یک دوره‌های گذار تاریخی را - که به نحوی در سرنوشت اقوام دخیل بوده‌اند - به تصویر می‌کشند. اقوام متعددی از ملل پیشین که از انواع نعمت‌ها برخوردار بودند، خیر خود را ندانستند و مستوجب عقاب الهی شدند. مکیان که در این سوره مورد خطاب قرار می‌گیرند و در دوران گذار قرار دارند، خیر خود را از دست رفته در نظر می‌گیرند و از این رو در روز قضاوت نادم و پشیمان ندا در می‌دهند «یَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي:

کاش برای زندگانی خود چیزی پیش فرستاده بودم». پایان سوره نیز همبستگی زیادی با آغاز آن دارد: روح فرد متقی که در آیات آخر مورد خطاب قرار می‌گیرد «یا ایها النفس المطمئنه»، به سبب همجواری با خداوند آرامش و اطمینان یافته است - آرامش و اطمینانی که به واسطه انجام اعمال عبادی که در آغاز سوره بدان اشاره شد، حاصل می‌آید.

سوگندخوشه‌های ناظر به پدیده‌های کیهانی

سوگندخوشه‌های زیر که بار دیگر مقطعی از شب را به تصویر می‌کشند، لحنی کاملاً متفاوت دارند. این سوگندخوشه‌ها به جای اشاره مستقیم به شب، به ستارگان مخصوص یا پدیده‌های کیهانی نظر دارند. در این سوره‌ها اعمال آیینی شب‌زنده‌داری لحن فاخر سرودهای شکرگزاری را ندارند، اما در عوض به یکپارچگی و حقیقت وحی و نیز به پیروزی نهایی قرآن نوعی احساس اطمینان و اعتماد برمی‌انگیزد و برای دشمنان قرآن براهین و دلایل قوی شاهد مثال می‌آورد و با تهدید به عذاب اخروی، آنان را انذار می‌دهد.

سوره طارق: آیات ۱۷-۱

سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد (۱)

و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست (۲)

آن اختر فروزان (۳)

هیچ‌کس نیست مگر این‌که نگاهبانی بر او (گماشته شده) است (۴)

انسان باید بنگرد از چه آفریده شده است (۵)

از آب جهنده‌ای خلق شده (۶)

که از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید (۷)

در حقیقت او (خدا) بر بازگرداندن وی به خوبی تواناست (۸)

آن روز که رازها (همه) فاش شود (۹)

پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری (۱۰)

سوگند به آسمان بارش‌انگیز (۱۱)

سوگند به زمین شکاف‌دار (آماده کشت) (۱۲)

که در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است (۱۳)

و آن شوخی نیست (۱۴)

آنان دست به نیرنگ می‌زنند (۱۵)

و من نیز دست به نیرنگ می‌زنم (۱۶)

پس کافران را مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار (۱۷)

سوره طارق که مشحون از عبارات تهدیدکننده است، دو سوگندخوشه را دربر می‌گیرد که به پدیده‌های

کیهانی مرئی در شب اشاره می‌کنند (آیات ۳-۱، آیات ۱۲-۱۱). هر دو سوگندخوشه به ترتیب در آمدی به اولین و دومین بخش سوره محسوب می‌شوند. آیات ۳-۱، به معنای متعارف کلمه سوگندخوشه نیستند، بلکه سوگندی مجزاست که پرسشی اخلاقی و پاسخ بدان پرسش آن را بسط و گسترش داده است. این سوره هیچ قرابتی با سرودهای شکرگزاری ندارد. برعکس، عذاب اخروی که در قالب پرسش اخلاقی مطرح شده است، به واسطه این پرسش شدت می‌یابد. خداوند به واسطه نوری که از آسمان بر زمین می‌تابد، انسان را زیر نظر دارد. به هر حالت غرور انسان هیچ پایه و بنیانی ندارد، چرا که روشنی جدید ریشه این غرور را سوزانده است. آنچه به واسطه تصاویر در اولین بخش مهم سوره آمده است، در بخش دوم نمود عینی و آشکار پیدا می‌کند. کلام وحی قوه تعقل و شناخت انسان را تقویت خواهد کرد و از این رو تکالیف او را منسجم‌تر خواهد کرد. بدان‌گونه که در ستاره بسیار درخشان صبحگاهی نمود پیدا کرده است. فصلی تازه که در تاریخ رستگاری بشر گشوده شده بود، به واسطه چرخه مسیر متعارف رخدادهای طبیعی (والسما ذات الرجوع / والارض ذات الصدع) بسته خواهد شد (فعل) و به روز قضاوت و داوری منتهی خواهد شد (کل نفس لَمَّا عليها حافظ) و با گزارش کارنامه بشر به اوج خواهد رسید (یوم تبلی السرائر).

شهاب ثاقب آغازین سوره به تصویری از کلام صریح خداوند بدل می‌شود: اِنَّهٗ لَقَوْلُ فَعْلٍ که بصیرت میان انسان و قدرت الهی را تسهیل و کارکرد ناظر آسمانی را توجیه و تبیین می‌کند. گفتنی است که دومین سوگندخوشه (آیات ۱۲-۱۱) که اولین آیه آن بار دیگر آسمان شب را تداعی می‌کند و از پس آن گزاره‌ای در تأیید حقیقت وحی می‌آید، بدون آن‌که از فضای رعب‌آور عاری شود، این اطمینان را می‌دهد که حقیقت برای دشمنان غیر مؤمن دست نیافتنی است.

سوره بروج: آیات ۷-۱ (ترجمه کاظم پورجوادی)

سوگند به آسمان که دارنده برج‌هاست (۱)

سوگند به روز موعود (۲)

سوگند به شاهد و مشهود (۳)

مرگ بر اصحاب اخدود (۴)

در گودال‌هایی پر از آتش (۵)

که در کنارش نشسته بودند (۶)

و آنچه را بر مؤمنان می‌رفت تماشا می‌کردند (۷)

بار دیگر، معرفی شب در اولین آیه سوگندخوشه به عبارتی نهیدآمیز منتهی می‌شود که ابتدا روز قیامت را تداعی و بعد به نظارت الهی بر انسان اشاره می‌کند. طرفه این‌که، دومین آیه سوگندخوشه به واقعیت روز جزا اشاره دارد. در سوره ۷۵ (قیمه) به سوگندخوشه و نیز گزاره‌ای برخورداریم خورد که تماماً درباره روز قیامت است. لا اقسام به یوم القیامه * ولا اقسام بالنفس اللوامه * ایحسب الانسان ان نجتمع عظامه.

اما حرکت و گسترش سوگندخوشه‌ها از واحدهای دوتایی کارکردی که تنش میان سوگندها و گزاره را

نمایش می‌دهند، تا عناصر آرایشی میان دو قسمت در سوره بروج ذکر شدنی است. از گزاره، به معنای متعارف کلمه، خبری نیست، بلکه لعن و نفرین متوجه گروهی است که عذاب اخروی آنان از پیش خبر داده می‌شود (آیات ۴-۶ و ۱۲). از شاهد و مشهود تعبیر گوناگونی ارائه شده است، آیات ۱۶-۱۳ (اوست که آفرینش را آغازید و اوست که باز می‌گرداند) * و نیز بسیار آمرزنده و مهربان است * صاحب عرش مجید است * هر چه را اراده کند به فعل درآورد) که برای آنانی که به اندازه اصحاب اخدود دچار عذاب وجدان نگشته‌اند - یعنی برای «و هو الغفور الودود» - مجدداً نوعی توازن برقرار می‌کند، ادامه بازگشت به آینده در آیات ۴-۶ است. در ادامه دو داستان در آیات ۱۷-۱۸ ذکر می‌شوند: «آیا داستان سیاهان به تو رسیده است * سپاه فرعون و ثمودیان». روی صحبت این دو داستان با غیر مؤمنین (آیات ۱۹-۲۰) است (آری کسانی که کافرند به تکذیب می‌پردازند * و خداوند به آنها احاطه دارد)؛ به افرادی که با یکپارچگی کلام وحی رو در رویند (آیات ۲۱-۲۲). آری این قرآن شریف و بزرگواری است که در لوح محفوظ نگاشته آمده است.

در سوره بروج هم، مانند آیه ۱۱ سوره طارق: «والسما ذات الرجوع و الارض ذات الصدع * انه لقول فعل» و آیات ۷-۹ سوره ذاریات: «والسما ذات الحُبک * انکم لفی قولٍ مختلف * یؤفک عنه من افک / سوگند به آسمان آراسته به ستارگان * که در گفتار گونه‌گون‌اند * هر که از حق منصرف شود منصرفش خواسته‌اند»، تصویر آسمان شب که به واسطه پدیده‌های کیهانی ساختار یافته است در خدمت تأیید تجربه اعتقاد به حقیقت و استمرار وحی منزل به حضرت محمد (ص) قرار دارد. غیر مؤمنین نمی‌توانند یکپارچگی قرآن را خدشه‌دار کنند، همچنان که آیه آخر سوره بروج بر همین مضمون تأکید دارد: «بل هو قرآن مجید * فی لوح محفوظ».

خلاصه

چه چیزی دسته‌بندی سوره‌های مزین به سوگندخوشه‌های آغازین را به منزله یک گونه تبیین و توجیه می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، به جای اشاره به خصیصه‌های آشکاری مثل موضوعات متعارف یا الگوهای ترکیب‌بندی، می‌توان به خصیصه ظریف‌تر «پویایی‌شناسی ذاتی حاکم بر این سوره‌ها» اشاره کرد. این کیفیت ویژه صراحتاً به حجم عبارات موازی در برمی‌گردد.

عباراتی که در بخش آغازین سوره‌ها نوعی ریتم مختص به خود ایجاد می‌کنند؛ به لحاظ ساختاری به پیش‌بینی راه حل معما مربوط می‌شود؛ معمایی که عناصر استعاری گردآمده در ذهن شنونده را برمی‌انگیزند و بلافاصله به قوه ادراک و فهم او در نمی‌آیند. همین پویاشدگی کل سوره به واسطه سوگندخوشه‌های آغازین است که مشخصه اصلی گروه سوره‌های مورد بحث به شمار می‌آید.

البته در قرآن، و به ویژه در صحنه‌های اخروی، به خوشه‌های دارای عبارات «اذا» در بخش‌های آغازین سوره برمی‌خوریم که به لحاظ گونه‌شناسی با یکدیگر در ارتباط‌اند. با این حال، تنش موجود در این بخش‌ها به ناگاه در آیات بعدی از میان می‌رود. این بخش‌های آغازین با سوگندخوشه‌ها متفاوت‌اند.

در خصوص خوشه‌فاعلات (ر.ک. به زیباشناخت، ش ۵)، پیش‌بینی عقاید مطرح شده در خوشه فقط در پایان (یا در اولین بخش مهم) سوره صورت واقع می‌یابد. فقط در سوره‌های دیگر است که پیش‌بینی مطرح شده در سوگندها بلافاصله در گزاره بعدی تحقق پیدا می‌کند. در خصوص سوگندخوشه‌های ناظر به نمادهای

آفرینش، پیش‌بینی عقاید مربوط به روز قیامت فقط در پایان سوره یا در پایان اولین بخش مهم سوره صورت می‌گیرد.

در خصوص سوره‌های ناظر به روز و شب، ساختار پیش‌بینی حوادث به کل چیز دیگری است. خصیصه این سوره‌ها، لحن سرودگونه یا - در خصوص سوره‌های ناظر به پدیده‌های کیهانی - لحن جدل‌گونه آنهاست که در طول سوره طنین انداز و شنیدنی است. اما در هر دو نوع سوره، تضاد مؤکد میان موجودات مخلوقی که تضاد میان شب و روز تجسم اولیه آن است، یکتایی و وحدانیت خالق را - هم او که به تضادهای میان موجودات مخلوق معنا و مفهوم می‌بخشد - مورد تأکید دوچندان قرار می‌دهند. در واقع، بخش پایانی این سوره‌ها از قرابت مؤمن به گوینده الهی صحبت می‌کنند. بنابراین بخش‌های پایانی به وحدانیت پروردگار منتهی می‌شوند؛ وحدانیتی که عبادت و قرائت قرآن که تصاویر بخش‌های آغازین تلمیحی بدان‌هاست، بر این امر تأکید می‌ورزند.

وانگهی، سوگندخوشه‌ها در نقش «ماتریس تصاویر» نیز ظاهر می‌شوند. در سوره‌های بلندتر آنجا که کارکرد اولیه سوگندخوشه - برانگیختن تنش در خصوص تبیین معمای آغازین سوره - رنگ می‌بازد و آنجا که توجه شنونده به خصوص به لحاظ ساختاری بر تصاویر حامل بار نمادین متمرکز می‌شود، می‌توان از ماتریس تصاویر سراغ گرفت. در پایان، تصویر کتاب - الکتاب - به یکی از مجردترین نمادهای به کار رفته در قرآن بدل می‌شود. «کتاب» تنها میراث برجای مانده از وحی است؛ کتابی که انواع موضوعات را دربر می‌گیرد. حتی در اوایل اسلام، کتاب به منزله نماد تمام عیار وحی، وقار و الوهیت خود را تا به زمان حاضر حفظ کرده است تا مبین شریف‌ترین نشانه مذهب اسلامی باقی بماند.

پی‌نوشت‌ها:

* رابطه نزدیک میان خدا و بنده مخلص خدا به جز این سوره‌ها در چند سوره از سوره اولیه مکی نیز دیده می‌شود. از آن جمله است: سوره انشراح، آیات ۷-۸؛ سوره علق، آیه ۹؛ سوره مدثر، آیه ۵۵؛ و سوره مزمل، آیه ۱۹؛ انشراح، ۷-۸.

فاذا فرغت فانصب * و الی ربک فارغب / پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش * و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور.

این سوره کوتاه به شدت با سوره ضحی در ارتباط است (مقایسه کنید آیات ۲، ۳ و ۱). تفاوت این سوره با سوره ضحی در این است که سوره انشراح فاقد سوگندخوشه ابتدایی است. در این سوره، حضرت محمد (ص) به مرتبه‌ای از آگاهی جدید نایل می‌آید.

علق - ۱۹:

سوره علق با موعظه‌ای شروع می‌شود: «اقراء باسم ربک الذی خلق»؛ حتی گفته‌اند که سوره علق اولین سوره‌ای بود که بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. همان‌گونه که خواهیم گفت، سوگند خوشه‌های معطوف به مراحل زمانی رابطه‌ای درونی با قرائت قرآن دارند. از این رو، این سوره چندان ارتباطی با سوره‌های مورد بحث ندارد. در مورد سوره‌های زیر نیز همین امر مصداق دارد.

سوره مدثر - ۵۵: و من شاء ذکره / هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد؛ و سوره مزمل - ۱۹: ... فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا / ... تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.

این دو سوره که از نظر ترکیب بندی بسیار شبیه یکدیگرند با موعظه‌ای صریح (سوره مدثر) یا مستتر (سوره مزمل) درخصوص قرائت قرآن در طول شب آغاز می‌شوند. گفتنی است که بقیه سوره‌های کوتاه‌تر مکی بدون اشاره به قرائت قرآن در آیات پایانی از موضوعات مختلفی ذکر به میان می‌آورند. از دیگر سو، سوره‌های بلندتر مکی گاهی از مشکل فعلی باز نمی‌کنند، چرا که این سوره‌ها روند ثابتی را که لازمه موضوعی خاص است، دنبال می‌کنند. مثلاً تأیید اصالت و صداقت پیام قرآنی.

کتابنامه

- ʿAbd al-Bāqī, Fuʿād, *Al-muʿjam al-mufahras li-alfāz al-Qurʾān la-karīm*, Cairo n.d.
- Abū ʿUbayda, Maʿmar b. al-Muthannā, *Majāz al-Qurʾān*, ed. Muhammad Fuʿād Sezgin, Cairo 1374/1954, vols I, II.
- Andrae, Tor, *Mohammad: The man and his faith*, 1956, reprint New York (1970).
- Arberry, Arthur J., *The koran interpreted*, London (1964).
- Bell, Richard, *The Qurʾān. Translated, with a critical re-arrangement of the sūras*, vols I, II, Edinburgh (1939).
- Birkeland, Harris, *The Lord guideth. Studies on Primitive Islam*, Oslo (1956).
- Blachère, Rēgis, *Introduction au Coran*, Paris (1947).
- Blachère, Rēgis, *Le Coran. Traduit de l'arabe*, Paris (1966).
- Bukhārī, Abū Abdallāh Muhammad b. Ismāʿīl, *Al-Sahīh*, vols I-IV, Cairo (1958).
- Fahd, Toufic, 'Kāhin', *ET*².
- Gibb, Hamilton, A.R., 'Arabiyya', *ET*².
- Goitein, Shlomo Dov, 'Ramadān. the Muslim month of fasting', *Studies in Islamic history and institutions*, pp. 90-110, Leiden (1966).
- Harmori, Andras, *On the art of Medieval Arabic literature*, Princeton (1974).
- Heiler, Friedrich, *Erscheinungsformen und Wesen der Religion*, Stuttgart (1979).
- Ibn Abi'l-Isbaʿ al-Misrī, *Badī al-Qurʾān*, Hifni Muhammad Sharaf, Cairo n.d.
- Ibn Qayyim al-Jawziyya, Muhammad b. Abī Bakr, *Al-Tibyān fi aqsām al-Qurʾān*, Beirut (1982).
- Jacobi, Renate, *Studien zur Poetik der altarabischen Qaside*, Wiesbaden (1971).
- Khoury, Adel Theodor, *Der Koran. Ü bersetzung von A.T.K. Unter Mitwirkung von Muhammad Salim Abdullah*, Gütersloh (1987).
- Kirmānī, Muhammad b. Hamza b. Nasr: *Asrār al-tikrār fi 'l-Qurʾān*, Cairo (1978).
- Kister, M.J., 'At-tahanuth: an inquiry into the meaning of a term', *BSOAS XXXL*, pp. 223-236, (1968).
- Lane, Edward William, *Arabic-English Lexicon*, vols I-VIII, reprint Beirut (1968).
- Lech, Klaus, *Geschichte des islamischen kultus Rechtshistorische und hadīt-kritische Untersuchungen zur Entwicklung und Systematik der 'Ibādāt*. Bd.
- I: *Das Ramadan-Fasten*, Wicsbaden 1979.
- Lehmann, Manfred R.L., 'Biblical Oaths', *ZAW*, LXXXI, pp. 744-92, (1969).
- Lichtenstaedter, Ilse, 'Das Nasīb der altarabischen Qaside', *Islamica*, V, pp. 17-96 (1932).

- Neuwirth, Angelika, *Studien zur Komposition der mekkanischen Suren*, Berlin (1981).
- Neuwirth, Angelika, 'Symmetrie und Paarbildung in der koranischen Eschatologie. Philologisch-Stilistisches zu Sūratar-Rahmān', *MUSJ, L*, pp. 447-480 (1984).
- Neuwirth, Angelika, 'Koran', in *Grundriss der arabischen philologie II*, Wiesbaden (1987).
- Neuwirth, Angelika, 'Der Horizont der Offenbarung. Zur Relevanz der einleitenden Schwurserien für die Suren der fruchmekkanischen zeit', in *Gottes ist der Orient, Gottes ist der Okzident-Festschrift für A.Falanuri*, Köln (1990).
- Nöldeke, Theodor, *Geschichte des Qorans*, Göttingen (1860).
- Nöldeke/Schwally, *Geschichte des Qorans von Theodor Nöldeke, bearbeitet von Friedrich Schwally*. Erster Teil: *Ueber den Ursprung des Qorans*, Leipzig 1909, reprint Hildesheim (1961).
- Paret, Rudi, *Muhammed und der Koran*, Stuttgart (1957).
- Paret, Rudi, *Der Koran. Ü bersetzung*, Stuttgart (1962).
- Paret, Rudi, *Der Koran. Kommentar und Konkordanz*, Stuttgart (1977).
- Pedersen, J., *Der Eid bei den Semiten*, Strassburg (1914).
- Rubin, Uri, 'The Ilāf of Quraysh. A study of sura CVI', *Arabica*, XXXI, pp. 165-188 (1984).
- Rubin Uri, 'Morning and evening prayers in early Islam', *JSAL*, X, pp. 40-64 (1987).
- Rubin, Uri, 'Iqra' bi-smi rabbika...! - Some notes on the interpretation of Sūrat al-'alaq, vs. 1-5'. Paper prepared for the *Qur'ān and Hadīth Colloquium*, Cambridge (1985).
- Sellheim, Rudolf, 'Muhammeds erstes Offenbarungserlebnis. Zum Problem muendlicher und schriftlicher Ueberlieferung im 1./7. und 2./8. Jahrhundert', *JSAL*, X, pp. 2-16 (1988).
- Smith, G. R., 'Oaths in the Qur'ān', *Semitics*, I, pp. 126-156 (1970).
- Suyūti, Jalāl al-Dīn, *Al-Itqān fi 'ulūm al-Qur' ān*, Cairo (1951).
- Tabarī, Jāmi` *al-bayān fi tafsīr āy al-Qur' ān*, Bulaq, XXX, 1323H/1905, reprint Beirut 1972 .
- Tirmidhi, al-Hakīm, *Al-Hajj wa-asrāruhu*, Cairo (1969).
- Wagtendonk, k., *Fasting in the Koran*, Leiden (1968).
- Watt, W. Montgomery, *Bell's Introduction to the Qur'ān*, Edinburgh (1970).
- Wellhausen, Julius, *Reste arabischen Heidentums*, Berlin 1889; Berlin 1927; reprint Berlin 1961.
- Wensinck, A.J., 'Salāt', El¹.
- Zamakhsharī, Abū' l-Qāsim Mahmūd, *Al-Kashshāf 'an haqā'iq al-tanzīl*, vols I-IV, Cairo (1966).